علم

گزارشی از سفر اخیر گروه فضانوردان به ایستگاه فضایی بین‌المللی ۲۲

زادروز فردوسی .....

تکنولوژی

سیستم‌های شناسایی از رویا تا واقعیت ۲۳

رقابت برای تشخیص سریع ویروس‌ها .....

خانه

وقتی زندگی رنگ می‌بازد ۲۴

خانه بدون استرس .....

جامعه

نگاهی به اسناد یونسکو

مخاطرات میراث فرهنگی قدس

احمد جلالی*

اشاره: متن سخنرانی دکتر احمد جلالی سفیر ایران در یونسکو که در سومین کنفرانس بین‌المللی قدس، در یکشنبه ۲۷ فروردین ۱۳۸۵ ایراد شد.

■■■

در این مجال کوتاه می‌خواهم گزارشی مستند به اسناد سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) در باب وضعیت میراث فرهنگی و طبیعی قدس ارائه کنم. آنچه در اینجا می‌گویم تحلیل شخصی من نیست بلکه حاصل نگاهی است به اسناد یونسکو در این باب که در فاصله سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۱ که عضویت شورای اجرایی یونسکو و ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۳ که ریاست کنفرانس عمومی این سازمان و ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵ که ریاست مجمع عمومی کنوانسیون میراث جهانی را برعهده داشته‌ام، در جریان آن قرار گرفته‌ام.

■■■

قبل از آنکه دولت خودگردان فلسطین به‌وجود آید، به پیشنهاد اتحادیه عرب، بافت قدیم شهر بیت‌المقدس که مسجدالاقصی و قبه‌الصخره و آثار تاریخی دیگری متعلق به مسیحیان و یا یهودیان را نیز در خود جای داده است، در فهرست میراث جهانی یونسکو بر اساس کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی مصوب ۱۹۷۲ لاهه، به ثبت جهانی رسید. مقدمتاً بگویم که ثبت اثری در فهرست میراث جهانی یونسکو به این معنی است که ارزش آن، فراتر از تعلق به سرزمین یا ملتی خاص، جهانی است و میراث مشترک همه بشریت محسوب می‌شود و بنابراین لازم است برابر با ضوابط کمیته میراث جهانی از آن حفاظت و در مقاطع مختلف گزارشی از وضعیت آن به یونسکو داده شود. البته وضعیت حفاظت از آثار تاریخی و بافت قدیم شهر بیت‌المقدس، به جهت شرایط خاصی که مطرح است، معمولاً در قالب قطعنامه خاصی در اجلاس کنفرانس عمومی یونسکو که عالی‌ترین مرجع حاکم بر این سازمان است مورد بحث قرار می‌گیرد. بر این روال، در بیست‌وهشتمین کنفرانس عمومی یونسکو در ۱۹۹۵، قطعنامه‌ای در باب حفاظت از میراث قدس به تصویب رسیده بود. به دنبال طرح گزارش مربوط به این مصوبه در بیست و نهمین کنفرانس عمومی یونسکو، در ۱۲ نوامبر ۱۹۹۷، قطعنامه دیگری[1] به تصویب رسید که ضمن آن از مدیرکل یونسکو خواسته شد که در همکاری با موسسه وقف اسلامی که از دیر باز تولیت امور قبه‌الصخره و مسجد الاقصی و فضای حرم شریف را بر عهده داشته است، مطالعات لازم را در خصوص مرمت و حفاظت قبه‌الصخره و مسجد الاقصی و آثار تاریخی مربوط به مذاهب سه‌گانه در قدس سازمان و سامان دهد و گزارش آن در دستور کار سی امین کنفرانس عمومی یونسکو در ۱۹۹۹ قرار گیرد. در اجرای این تصمیم و پیرو مصوبه اجلاس ۱۵۶ شورای اجرایی یونسکو،[2] مدیرکل وقت یونسکو، آقای فدریکو مایور یک کارشناس برجسته بین‌المللی به نام پروفسور لئون پرسویر[3]، استاد ممتاز تاریخ قرون وسطی و معاون پیشین دانشگاه سوربن و کارشناس و ارزیاب پیشین شورای بین‌المللی آثار و چشم‌اندازهای تاریخی[4] و رئیس کمیسیون حفاظت از آثار تاریخی بوسنی هرزگوین را برای تهیه گزارش در این خصوص منصوب کرد و او در پایان ماموریت خود که از تاریخ یکم تا دهم سپتامبر ۱۹۹۹ در بیت‌المقدس انجام گرفت، گزارشی فنی و تخصصی به مدیر کل ارائه کرد و مدیرکل پس از خواندن آن، آن را برای بحث و بررسی به سی امین کنفرانس عمومی یونسکو ارسال کرد. متن کامل این گزارش در سند 30/C12 یونسکو آمده است. پروفسور پرسویر در این سند رسمی گزارش کرده است که شهر قدیم بیت‌المقدس که به ثبت جهانی رسیده، زندانی شهرسازی‌های عظیم حومه، به‌خصوص در بخش شرقی، شده است چندان که هر کس پس از چند سال دوری به بیت‌المقدس بازگردد قبل از هر موضوعی متوجه تبدیل منظر طبیعی این اثر ثبت شده تاریخی می‌شود. ساخت‌وسازهای مختلف، بزرگراه‌ها، برج‌ها و هتل‌سازی‌هایی که در آن منطقه صورت گرفته است، هویت منظر قدس را برهم ریخته در حالی که بر اساس قوانین و مصوبات کمیته میراث جهانی، وقتی اثری به ثبت جهانی می‌رسد حفظ منظر طبیعی و تاریخی آن نیز بخشی از حفظ اثر محسوب می‌شود. او علاوه بر آنچه در غرب بیت‌المقدس از سال ۱۹۴۸ شروع شده و ادامه یافته است، به‌عنوان نمونه به طرح‌های توسعه در مقابل دروازه یافا متصل به دهکده داوود، طرح‌های بزرگ خانه‌سازی در دامنه شمال شرقی و جنوب شرقی از قبیل هتل‌های بزرگی که در قسمت پائین خیابان Derech Schechem که نزدیک «مقبره شاهان[5]» و کلیسای سنت جورج سر به آسمان کشیده است اشاره می‌کند و با انتقاد روشن و مستدل به دلایل کارشناسانه نتیجه می‌گیرد که این ساختمان‌ها یک کمربند وسیع نامتناسب در حومه شهر مجهز به سیستم‌های ارتباطی ساخته است که به‌طور فزاینده‌ای، به‌تدریج چشم‌انداز اولیه تاریخی شهر را دارد محو می‌کند. بخش عمده منظر زیبای قدس به‌طرف شرق که به‌طرف رود اردن امتداد داشت با این شبکه ساختمان‌ها و بزرگراه‌ها که آن را احاطه کرده است عملاً نابود شده است. به‌تدریج شهر به سمت شرق گسترش یافته و منظر بیت‌المقدس تاریخی، دیگر آن شهر زیبای برافراشته در کناره صحرا نیست بلکه شهری است گم‌شده و زندانی در حصاری از شهرسازی‌های مدرن که هیچ تناسبی با بافت تاریخی آن ندارد. این تغییرات که از زمان تدی کولک[6] شهردار اسبق بیت‌المقدس شروع شد، به‌صورت فعال در زمان جانشین او ایهود اولمرت[7] (نخست‌وزیر فعلی اسرائیل) نیز ادامه یافت. طراحان و شهرسازان اسرائیلی در طراحی این برنامه‌ها شتاب می‌کنند. او به‌عنوان مثال به نوشته‌های شماره ۱۹۹۸ نشریه جروزالم پست که سیاست‌های شهرداری بیت‌المقدس را منتشر می‌کند اشاره می‌کند که نویسنده آن، امیر سشیم[8] است که از ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۴ مشاور رسمی شهرداری بوده است. پروفسور پرسویر روایت می‌کند که متخصصان فلسطینی و اسرائیلی در جریان صحبت‌های شخصی که با او داشته‌اند همگی از مخاطراتی سخن می‌گفتند که پروژه «بیت‌المقدس بزرگتر»[9] برای چشم‌انداز تاریخی شهر ایجاد کرده است و آن را تقبیح می‌کردند چندان که بسیار دشوار است که این بیت‌المقدس (سال ۱۹۹۹) را با «شهری که صحرا در او مسکن گزیده است» که در ترانه ساموئل تریگانو[10] که در سال ۱۹۸۳ توصیف شده است، بتوان یکی گرفت. او از قول یکی از اسرائیلی‌هایی که با او صحبت می‌کرده نقل می‌کند که با روندی که در تغییر هویت مکان‌های تاریخی حفاظت شده قدس در جریان است، به‌زودی وضعیت جاهایی مانند دره کیدرون[11] و گهنا[12] نسبت به شهر بیت‌المقدس مانند وضعیتی خواهد بود که پارک مرکزی و پارک فورت تیرون[13] نسبت به نیویورک امروزی دارند، یعنی مواریث طبیعی و فرهنگی در حصار رو به گسترش شهرسازی مدرن زندانی و بلعیده می‌شوند. همان مخاطب، بدون زیر سئوال بردن اعتبار «قانون بیت‌المقدس» که در مجلس اسرائیل در تاریخ ۳۰ جولای ۱۹۸۰ درباره آن رای‌گیری شد، درباره عوارض مهلک سیاست‌های شهری‌سازی که منجر به خسارت‌های قطعی و جبران ناشدنی به ارزش‌های میراثی می‌شود اظهار تعجب می‌کند.

براساس این سند، هرچند نخست‌وزیر اسرائیل در بیانیه ۱۱ ژوئن ۱۹۹۹ خود آورده است که اسرائیل شهرک‌های جدید در ساحل غربی نخواهد ساخت اما شهرک‌های موجود را نیز تخریب نمی‌کند، اما در عمل چنین نیست زیرا شبکه‌های شهرک‌های موجود همچنان در حال گسترش است و حتی به حریم مناطق حساس تاریخی نیز رسیده است. پروفسور پرسویر که در تاریخ ۹ سپتامبر شخصاً به Maale Adoumim رفته، مشاهده کرده است که کارهای ساختمانی زیادی هنوز در جریان است و می‌گوید تا آنجایی که مطلع شده است، در بزرگترین شهرک یهودی‌نشین جدید که در بیت‌المقدس شرقی ساخته شده، بیش از ۶۰ هزار نفر را اسکان داده‌اند. استنباط او این است که آن برنامه‌ریزی شهری که اسرائیلی‌ها عنوان «بیت‌المقدس بزرگتر» را به آن داده‌اند و بر آن اساس این همه بزرگراه در اطراف این شهر تاریخی را در دست احداث دارند در همین جهت و چارچوب پیگیری می‌شود. گزارش معتقد است که تغییراتی که در ترکیب اجتماعی قدس در حال وقوع است، تدریجاً دارد سازگاری میان ساخت شهری و میراث برجای مانده در قدس قدیم را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و بر هم می‌ریزد. به روایت این سند، در سال ۱۹۹۹ هنوز در شهر قدیم، تمایز سنتی و تاریخی میان چهار ناحیه اصلی، ناحیه یهودی در جنوب شرقی، ناحیه ارامنه در جنوب غربی، ناحیه مسیحی در شمال غرب و ناحیه اسلامی در شمال شرق محسوس بود، اما آثار و تبعات ناخوشایند این تحولات بر سازگاری میان ساخت شهری جدید و اصالت میراث شهر قدیم، به تدریج دارد ویژگی‌های فرهنگی این نواحی تاریخی را از میان می‌برد و استحاله می‌کند.

برای نشان دادن تغییرات مهمی که در بخش جنوب شرقی بیت‌المقدس پدید آمده است، سند 30/C12، بعضی موارد را چنین ذکر می‌کند: پس از انهدام بخش غربی بیت‌المقدس در سال ۱۹۶۷ و به‌دنبال آن توسعه مجدد میدان جلوی دیوار ندبه،[14] بازسازی بخش یهودی بیت‌المقدس سناریویی بود که در طول دهه ۱۹۷۰ در همه موسسات طراحی شهری در اسرائیل مورد بحث بود. نتیجه این شد که بازسازی همه‌جانبه ساختمان‌ها که غالباً مرتفع و مشرف بر ساختمان‌های قدیم ساخته شد، عملاً امکانات مرمت ساختمان‌های قدیم را بسیار محدود کرد. این موضوع قبلاً در کتاب کلاسیک Arieh Sharon معمار[15] در باب طرح شهرسازی بیت‌المقدس منعکس شده است.

پرسویر در اعلام نظر کارشناسی خود به مدیرکل یونسکو می‌گوید: آنچه امروز (۱۹۹۹) مطرح است حفظ تمامیت محله مسلمان‌نشین است که تنها ناحیه بسیار وسیع و متراکمی است که هنوز مجموعه بزرگراه‌ها و مجموعه ساختمان‌های قدیمی را با هم در خود جای داده است. رشد زیاد جمعیت خانواده‌های مسلمان در سال‌های اخیر که احصای کمی آن آسان نیست، شرایط زیستی نامساعدی برای آنها به وجود آورده است که ممکن است چون گذشته بهانه‌ای به دست مسئولان اسرائیلی بدهد تا تحت شعار پاک‌سازی محله‌های کثیف[16] شاکله و هویت این محله‌ها را برهم بزنند، همچنان که این شعار در طول دهه ۱۹۷۰ اسباب توجیه تخریب‌های دلبخواه آنان بود.

خلاصه مطلب

۱- تغییراتی که در ترکیب اجتماعی قدس در حال وقوع است، تدریجاً دارد سازگاری میان ساخت شهری و میراث برجای مانده در قدس قدیم را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و بر هم می‌ریزد.

۲- خطر دیگری که متوجه شهر قدیم است فضاهای بازی است که احتمالاً یهودیان برای ساخت و سازهای جدید به دنبال تصاحب آنها هستند.

۳- یهودیان در جای‌جای بافت قدیم محله مسلمان شهر، در حال احداث واحدهای ساختمانی با ارتفاع بیشتر هستند که در بالای آنها پرچم اسرائیل نصب شده است.

در میان مخاطرات زیادی که محله مسلمان‌نشین شهر را تهدید می‌کند، آشکارترین آنها ازدیاد جمعیت و تغییرات سریع در ترکیب اجتماعی آن است که در اثر ایجاد ـ به قول فلسطینی‌ها ـ کولونی‌های یهودی‌نشین پدید آمده است. یهودیان در جای‌جای بافت قدیم محله مسلمان شهر، در حال احداث واحدهای ساختمانی با ارتفاع بیشتر هستند که در بالای آنها پرچم اسرائیل نصب شده و یک سیستم عبوری میان آنها از بالا در حال ایجاد است که این خانه‌ها را اختصاصاً به هم مربوط می‌کند و هویت تاریخی آن را برهم می‌زند. خطر دیگری که متوجه شهر قدیم است فضاهای بازی است که احتمالاً یهودیان برای ساخت و سازهای جدید به دنبال تصاحب آنها هستند. برای مثال، این سند توجه ما را به منطقه حساس برج اللقلق[17] که در ضلع جنوب شرقی دیوار سلیمان واقع شده است جلب می‌کند که در ۶ ماه مه ۱۹۹۸، به‌وسیله تعدادی از ولگردان اسرائیلی اشغال شد که می‌خواستند یک شهرک یهودی‌نشین تاسیس کنند. اسرائیلی‌ها در جوی از یک تنش اجتماعی وسیع حفاری‌هایی را آغاز کردند که تا تابستان ۱۹۹۹ ادامه یافت که در اسناد شورای اجرایی یونسکو ذکر آن رفته است.[18] اما نتایج این کاوش‌های باستان‌شناسانه هرگز منتشر نشد. پروفسور پرسویر این موضوع را طی نامه مورخ دوم ماه ژوئن ۱۹۹۸ به اطلاع مدیرکل یونسکو رسانید[19] و در نامه دیگری به تاریخ ۹ جولای ۱۹۹۸ به طور اضطراری تقاضا کرد که یونسکو عکس‌العمل نشان دهد.[20] پرسویر نظر داده است که در این شرایط شدیداً آشفته، تاسیس ناحیه کوچک یهودی با عبادتگاه یا بدون عبادتگاه روی سایت برج اللقلق، هم تحریف تاریخ است و هم تحریک آمیز.

در سال ۱۹۹۹، مشکل دیگری در ارتباط با شروع مجدد کار مرمت روی سطوح پائینی مسجدالاقصی که الاقصای کهنه نامیده می‌شود و موسسه وقف اسلامی عهده‌دار آن بود پدید آمد. آقای ایسام اواد[22] معمار مسئول حفظ الحرم‌الشریف از طرف موسسه وقف اسلامی، کاری را که در خصوص مرمت آن حوزه شروع کرده در ماه آگوست ۱۹۹۹ به اتمام رسانید که البته در مقایسه با آنچه در سال ۱۹۹۷ در مورد اصطبل‌های سلیمان[23] انجام شده بود طرح کوچک‌تری بود. شیرینی این اقدام موفق موسسه وقف اسلامی با حادثه‌ای که در اوایل آگوست اتفاق افتاد از کام‌ها رفت و خاطره تلخی برجای ماند. آقای اواد معمار حرم شریف، پنجره قدیمی الاقصای کهنه را که با سنگ و خاک و مواد متفرقه بسته شده بود به‌طرف بخش جنوبی مسجد باز کرد اما بلافاصله پلیس اسرائیل آن را به بهانه دلایل امنیتی مسدود کرد که بر اساس اطلاعاتی که مقامات وقف اسلامی در اختیار پروفسور پرسویر قرار دادند صرفاً بهانه بیش نبوده است زیرا پنجره‌ای که اسرائیلی‌ها مسدود کردند، هم حفاظ آهنی داشت و هم از روی زمین قابل دسترسی نبود. به نظر پرسویر نوع کاری که در مرمت قصر اموی در زیر مسجدالاقصی توسط اسرائیلی‌ها انجام شده نیز انگیزه سیاسی داشته و روش‌های علمی در آن به‌کار نرفته است.

موضوع مرمت قصر اموی که محوطه وسیعی در جنوب الحرم‌الشریف، پائین مسجدالاقصی را در بر می‌گیرد پیش از این هم در یونسکو مطرح شده بود. در ماه فوریه ۱۹۹۵، به دنبال نامه مدیر بخش میراث فرهنگی یونسکو، پروفسور ریموند لومر[25] که قبل از پروفسور پرسویر نماینده و کارشناس بخش میراث فرهنگی یونسکو در خصوص بیت‌المقدس بود و از طرف مدیرکل یونسکو ماموریت تهیه گزارشات منظم از وضعیت حفاظت از آثار تاریخی قدس را برعهده داشت، بازدیدی از سایت به عمل آورد و اطلاعاتی را پیرامون کارهایی که در چارچوب مصوبه اجلاس ۱۴۷ شورای اجرایی یونسکو[26] صورت گرفته بود جمع‌آوری و گزارش کرد که در آن از آنچه باستان‌شناسان و معماران اسرائیلی در مرمت و حفاظت قصرهای دوران اموی که در زیر مسجدالاقصی قرار دارد و محوطه وسیعی به طرق جنوبی حرم شریف را شامل می‌شود، انجام داده‌اند انتقاد کرده بود. انتقادهای او در اسناد کنفرانس عمومی بیست و نهم یونسکو مندرج است.[27]

■■■

آنچه از اسناد و مباحث یونسکو در باب وضعیت حفاظت از میراث فرهنگی قدس بر می‌آید البته مفصل‌تر و گویاتر از آن است که گفته شد، اما در فرصت کوتاه این سخن، بیش از این نمی‌گنجد. این را هم اضافه کنم که مخاطراتی از این دست فقط میراث اسلامی قدس را تهدید نمی‌کند که میراث مربوط به مسیحیان را نیز بی‌نصیب نگذاشته است. ارائه گزارش تحقیقی و کارشناسانه پروفسور پرسویر و طرح آن در کنفرانس عمومی یونسکو، اسرائیلی‌ها را بسیار عصبانی کرد؛ چندان که پس از آن اعزام هیأت کارشناسی به اسرائیل برای بررسی و تهیه گزارش‌ها در این باب عملاً با عدم همکاری و پذیرش اسلائیل مواجه شد. تلاش‌های یونسکو در این مورد از آن به بعد خود به مجال دیگری نیاز دارد.

***سفیر ایران در یونسکو**

رئیس سی و یکمین کنفرانس عمومی یونسکو و رئیس مجمع عمومی کنوانسیون میراث جهانی در ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵

پی‌نوشت‌ها:

۱- سند 29C/22

۲- سند 156EX/Decision 3.5.1

3- Leon Pressouyre

4- ICOMOS

که نهاد معتبر و مستقل بین‌المللی برای ارزیابی کارشناسانه آثار تاریخی برای ثبت در فهرست میراث جهانی است

5- Tomb of the Kings

6- Teddy Kollek

7- Ehud Olmert

8- Amir Ceshim

9- Grater Jerusalem

10-Shamuel Trigano

11- Kidron

12- Gehenna

13- Fort Tyron Park and Centeral Park

14- Wailing Wall

15- Planning Jerusalem , Jerusalem, Weidenfeld and Nicolsoy, 1973.

16- slum-clearance

17- Burj al-laqlaq

18- 8cf. 155 EX/11, para.

۱۹- نامه شماره 157/5/98

۲۰- نامه شماره DG/406/151

21- 150 EX/3.4.3

22- Via Dolarosa

23-Issam Awwad

24-Solomon,'s Stables

۲۵- پروفسور Raymond Lemaire باستان‌شناس شناخته شده و مورد قبول مرکز میراث جهانی، بیش از ۲۶ سال عمر خود را در حفاظت و مرمت شهر تاریخی قدس صرف کرد. او در ۱۹۹۷ به طور ناگهانی درگذشت. یونسکو رسماً از خدمات او تجلیل کرد.

۲۶- سند 147EX.117

۲۷- سند 29C/14

گفتارها

نگاهی دیگر به قدس

محمدعلی عسگری

مسجد الاقصی برای ما معمولاً نماد مسجدی است در فلسطین که روزگاری قبله نخست مسلمانان بود و امروزه به اشغال دولتی یهودی و صهیونیستی درآمده است. قدس در این تصور نماد هویت ملی است به نام فلسطین که بیش از نیم قرن است با اشغالگران می‌جنگد و هنوز نتوانسته است به‌رغم همه مصائب و فداکاری‌ها به حقوق حقه خود دست یابد. در همین تصور قدس محلی است که همزمان اسرائیلی‌ها آن را پایتخت ابدی خود می‌دانند و فلسطینی‌ها نیز می‌گویند دولت آینده‌شان را به پایتختی همین شهر بنا خواهند کرد. اما خارج از این تصور که آکنده از نزاع‌های خونین و کشمکش‌های سیاسی و تاریخی است، مسجد الاقصی یک بنای تاریخی و دینی بی‌نظیر است و آثار معماری شهر بیت‌المقدس هر یک نمادی و نشانی از قرن‌ها تاریخ بشری است که می‌تواند برای گردشگران ـ به ویژه مسلمانان ـ جالب توجه باشد. مسلمانان این حدیث را از پیامبر بزرگشان در گوش دارند که فرموده بود: «باروبنه به قصد سفر و زیارت بسته نمی‌شود مگر به این سه مسجد: مسجدالحرام، مسجد من (مسجد النبی در مدینه) و مسجد الاقصی.» برای آنها مسجد الاقصی مکان معراج رسولشان است که در قرآن آمده است «سبحان الذی اسری بعبده لیلا من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی الذی بارکنا حوله» فراموش نمی‌کنم که عکرمه صبری مفتی اعظم قدس بارها در مصاحبه‌های خود این نکته را یادآور می‌شد و از مسلمانان می‌خواست که حداقل برای زیارت و گردش به فلسطین سفر کنند و به ویژه بیت‌المقدس را از نزدیک ببینند. او که همواره نسبت به دست درازی‌های یهودیان هشدار می‌دهد و به قول خود توطئه‌های یهودیان را برای تخریب و انهدام این مسجد برملا می‌کند سخت گلایه‌مند بود که چرا مسلمانان برای زیارت به همه جای جهان می‌روند و هیچ زیارتگاهی را حتی در اماکن دورافتاده فروگذار نمی‌کنند اما قدم‌رنجه نمی‌کنند تا به مسجد الاقصی بروند و از نزدیک آن را زیارت کنند. پاسخ این موضوع روشن است چون بیت‌المقدس در اشغال اسرائیل است و کشورهای اسلامی روابط دیپلماتیک با رژیم حاکم بر تل‌آویو ندارند. چرا آنها برای دیدن آثار معماری و توریستی سایر کشورها در اقصی نقاط جهان به راحتی پا در رکاب می‌کنند اما کمتر به دیدار شهری می‌روند که به روایتی چهل و پنج قرن عمر کرده است: جدا از مسلمانان باید مسجدالاقصی و شهر بیت‌المقدس یا اورشلیم برای سایر گردشگران اعم از هر قوم و ملتی جلوه‌های توریستی ارزنده‌ای داشته باشد. شهری که گفته می‌شود در حدود سال ۲۵۰۰ قبل از میلاد بنا شده است و ابتدا یبوسی‌ها و کنعانی‌ها آن را در اختیار داشتند تا آنکه به تصرف داوود پیامبر درآمد. داوود پادشاه اسرائیل از جانب خدا مامور بود تا در دامنه کوه صهیون معبدی را برای پرستش خدای یهودیان بنا کند اما ساخت این معبد برایش میسر نشد تا آنکه فرزندش سلیمان این ماموریت را به انجام رساند. به دستور سلیمان معبد بیت همیقداش با چوب درختان صنوبر لبنان ساخته شد تا زیارتگاهی برای یهودیان باشد و «تابوت عهد» در آن نگهداری شود. از نگاه یهودیان اورشلیم، شهر «شالوم» یا شهر صلح (خداوند کنعانی‌ها) است که معبد سلیمان در آن قرار دارد. معبدی که یک بار بخت‌النصر پادشاه بابل آن را تخریب کرد و ساکنانش را به بابل انتقال داد و سپس ایرانیان در زمان کوروش هخامنشی آن را بازسازی کردند. اما پس از ایرانی‌ها این شهر به چنگ اسکندر مقدونی افتاد که اختلافات درونی فرماندهان خود را بر سر این شهر تخلیه می‌کرد. در دوران حکومت بیزانسی‌ها و ساسیمی شدن امپراتوری روم شرقی بیت‌المقدس (ایلیا) نامیده شده و به خاطر مسیحی کردن شهر، کلیسای قیامت در آن ساخته شد. پس از آن دوباره این شهر به چنگ ایرانی‌ها و سپس مسلمانان افتاد. گفته می‌شود عبدالملک مروان برای انصراف مسلمانان از کعبه و به بهانه بزرگداشت خاطره معراج حضرت رسول قبه‌الصخره را در این شهر بنا کرد او می‌خواست کاری کند که مراسم حج به جای کعبه در بیت‌المقدس برپا شود. همچنین گفته می‌شود که یادبود معراج حضرت رسول در نقطه دیگری از حرم بوده و در حقیقت محلی که عبدالملک در آن قبه‌الصخره را ساخت همان قربانگاه حضرت ابراهیم بوده است. این تاریخ طولانی را اگر بخواهیم پی‌بگیریم به دوران جنگ‌های صلیبی می‌رسیم که زمانی بیت‌المقدس به چنگ مسیحیان افتاد و مسجدالاقصی را به کلیسا و اصطبل اسبان خود تبدیل کردند تا بعد که صلاح‌الدین ایوبی آن را دوباره پس گرفت و به آبادانی آن پرداخت و همو بود که مدرسه ناصریه را در آن ساخت (سال ۵۸۴ ه. ق) و آن را در اختیار فقهای مذهب شافعی قرار داد. می‌گویند این مدرسه پیش از آن کلیسایی بود به نام «صندحنه» که در باب الاسباط بیت‌المقدس قرار داشت. قدس پایتخت مشترک مذاهب ابراهیمی است و در آن قربانگاه ابراهیم خلیل، معبد سلیمان نبی و کلیسای قیامت و جایگاه معراج رسول خدا قرار دارد و در واقع قبله نخست مسلمانان است. باورهای دینی پیروان این مذاهب در این شهر ابعادی فیزیکی و مادی به خود گرفته و به‌صورت صحن و سرا و گنبد و دیوار و آجر و سنگ تجلی یافته است و تا کسی به این شهر سفر نکند نمی‌تواند آنها را از نزدیک لمس کند. در سال ۱۹۴۷ سازمان ملل متحد خواستار بین‌المللی کردن این شهر شد اما با اعلام موجودیت اسرائیل در سال ۱۹۴۸ بخش غربی قدس به اشغال گروه‌های نظامی یهودی درآمد. یهودیان نیز مانند اقوام پیشین ردپای خود را بر این شهر برجای گذاشته‌اند و همچنان این ماجرا ادامه دارد.

بایگانی

اصفهان خواهرخوانده «بیت‌المقدس» می‌شود

ایسنا، ۱۹/۱۰/۱۳۸۴: به‌زودی اصفهان به عنوان خواهرخوانده «بیت‌المقدس» اعلام می‌شود. حجت‌الاسلام والمسلمین «محمدی عراقی» رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی ۱۹ دی‌ماه جاری در کنفرانس خبری اعلام رسمی «اصفهان پایتخت فرهنگی جهان اسلام» با بیان این مطلب گفت: در راستای برنامه‌های پایتخت فرهنگی جهان اسلام، اصفهان در مراسمی با قدس که نخستین قبله مسلمانان بوده است خواهرخوانده اعلام می‌شود. وی افزود: این امر به منظور حمایت از میراث فرهنگی ادیان ابراهیمی انجام می‌شود، زیرا میراث «قدس شریف» تنها متعلق به اسلام نیست و بخشی از میراث فرهنگی همه ادیان ابراهیمی در قدس قرار دارد. عراقی تأکید کرد: در یک سالی که اصفهان به عنوان پایتخت فرهنگی جهان اسلام مطرح است در جهت حفظ ادیان توحیدی و ابراهیمی اجلاسی با حضور مقامات قدس در اصفهان برگزار کرده و در آن قدس و اصفهان به عنوان خواهرخوانده معرفی می‌شوند.

کشف آثار الفبای ۳ هزارساله

میراث خبر ۲۸/۸/۸۴: سنگ نوشته‌ای دوخطی در بیت‌المقدس یافت شده است که دانشمندان را مطمئن ساخته بنی‌اسرائیل از قرن ۱۰ پیش از میلاد کتابت و سواد خواندن و نوشتن داشته‌اند. ران ای. تپی استاد باستان‌شناسی دانشگاه الهیات پیتزبرا که کاشف این اثر بوده می‌گوید: «این اثر یافت‌شده به غایت نادر است و مطمئناً تا سال‌های بعد محققین را به خود مشغول خواهد ساخت.» او تصریح کرد: «این یافته نشان می‌دهد در قرن ۱۰ پیش از میلاد مردمانی بوده‌اند که قادر بوده‌اند کلام را ثبت کنند. تمام الفباهای جهان، از جمله الفبای یونانی، از خط فنیقی که در این منطقه رواج داشته برگرفته شده است.» لوح مذکور دارای دو سطر و ۲۲ نشان الفبایی است. در سوی دیگر این سنگ تورفتگی‌ای جام‌مانند وجود دارد که نشان می‌دهد احتمالاً این سنگ برای آیین‌هایی خاص به کار می‌رفته است. کریستوفر رالستن، استاد مطالعات سامی در مدرسه مذهبی امانوئل در ایالت تنسی آمریکا، معتقد است احتمالاً این خط فنیقی است یا دست‌کم شکل گذار از خط فنیقی به خط عبری را نشان می‌دهد. او اظهار کرد: «ما نشانه‌ها و مصالح نوشتاری اندکی از قرن ۱۰ پیش از میلاد در دست داریم و این یافته جدید ارزش بی‌نظیری دارد.» گزارش کامل این کشف هفته آتی و پس از انجام آزمایش‌های رادیوکربن طی کنفرانسی در فیلادلفیا اعلام خواهد شد. این لوح سنگی طی حفاری‌ای در ماه ژوئن در دیوار بنایی باستانی در منطقه تل‌زیتون به دست آمده است.

اسرائیل قبرستان علمای فلسطین را به موزه نظامی تبدیل می‌کند

میراث خبر، ۱۲/۱۰/۸۴: نیروهای اسرائیلی ضمن رد درخواست تحویل قبرستان مامن‌الله به فلسطینی‌ها اعلام کرده‌اند این مکان را به موزه نظامی تبدیل می‌کنند. به گزارش سایت محیط، مامن‌الله قدیمی‌ترین قبرستان اسلامی در بیت‌المقدس محسوب می‌شود که در آن صحابه، شهدا و علمای فلسطینی دفن شده‌اند. نیروهای اسرائیلی همچنین اعلام کرده‌اند که در این موزه کلیه آثار دوران مبارزه با فلسطینی‌ها به نمایش درخواهد آمد. شیخ رائد صلاح رئیس مرکز اسلامی آزادی در زمین‌های اشغال شده فلسطینی در این باره گفت: «نیروهای اسرائیلی می‌خواهند با اتخاذ چهره‌ای فریبکارانه و تظاهر به تسامح این مکان را به موزه تبدیل کنند.» او در ادامه افزود: «نیروهای اسرائیلی برای ساخت این موزه ۲۰۰ میلیون دلار اختصاص داده‌اند.» رائد گفت: «نیروهای اسرائیلی با این جنایت قصد دارند تاریخ، مقدسات و احساسات مسلمانان و اعراب را خدشه‌دار کنند. آنها می‌خواهند هیچ چیزی از این مقبره بر جای نماند.»

خشم فلسطینی‌ها و مجموعه‌های جدید

میراث خبر، ۲۳/۱/۱۳۸۵: عمرو موسی رئیس اتحادیه عرب اعلام کرد که بر اساس فیلم و عکس‌های رسیده دولت اسرائیل در حال ساخت کنیسه، موزه و مزاری یهودی در پایین مسجدالاقصی است. به گزارش شبکه خبری الجزیره، او که به همراه مفتی بیت‌المقدس در یک کنفرانس خبری در قاهره پایتخت مصر شرکت کرده بود، در این باره گفت: «بر اساس فیلمی که شیخ عکرمه صبری مفتی بیت‌المقدس به اتحادیه عرب داده، اسرائیل در حال ساخت مجموعه‌ای یهودی در فاصله ۹۶ متری ضلع غربی حرم مسجدالاقصی است.» عکرمه در این باره گفت: «هیچ فلسطینی‌ای نمی‌تواند به راحتی وارد این مجموعه شود. چندی پیش یکی از فرستاده‌های ما قصد داشت وارد این مجموعه شود که در خارج از مجموعه از سوی پلیس اسرائیل که در اطراف مجموعه مستقرند مورد بازرسی کامل بدنی قرار گرفت و حتی لباس‌های او را با دوربین و دستگاه‌های ویژه بازرسی کردند.» او سپس افزود: «بر اساس اطلاعات رسیده اسرائیلی‌ها در این مکان که فقط آموزه‌های یهودی در آن به چشم می‌خورد، اقدام به انجام حفریاتی در زیر مسجدالاقصی کرده‌اند که می‌تواند برای این مسجد بسیار گران تمام شود.»